



The Fundamental Challenges Concerning the Legitimacy of Forex Futures Transactions in Imāmī Jurisprudence

Mohsen Yusefi¹  

1. Institute of Islamic Jurisprudence and Sciences; <https://orcid.org/0009-0006-0709-3299>

Article Info

Article Type:

Research Article

Article History:

Received 26 APR 2025

Received in revised form

29 December 2024

Accepted 02 NOV 2025

Keywords:

Forex Market;

Futures Transactions;

Fictitiousness;

Akl al-Māl bi al-Bāṭil;

Binding Nature of

Contracts.

ABSTRACT

The foreign exchange (Forex) market, as the largest financial market in the world, records a daily turnover exceeding six trillion US dollars, a substantial portion of which relates to currency futures transactions conducted through futures contracts and forward agreements. Given the importance of such transactions for risk management and exchange-rate stabilization, examining their legitimacy within Imāmī jurisprudence is of considerable significance.

Within the structure of the Forex market operating in Iran—particularly in certain private brokerage firms—there is often no direct linkage to the international interbank market. Even where such a connection is claimed, no actual transfer or delivery of currency occurs; rather, only price differentials are settled. This reality, whether framed in a promissory (*‘ahdī*) model—based on a commitment to transact in the future—or in a proprietary (*milki*) model—potentially falling under the category of *bay‘ al-kālī‘ bi al-kālī‘* (deferred-for-deferred sale)—gives rise to several jurisprudential objections. These include fictitiousness (form without substantive exchange), wrongful appropriation of property (*akl al-māl bi al-bāṭil*), and the non-binding character of preliminary undertakings.

Cite this article:

Yusefi. M(2026). “The Fundamental Challenges Concerning the Legitimacy of Forex Futures Transactions in Imāmī Jurisprudence”. *Journal of Islamic Law and Jurisprudence*; 41(4); 113-146. 



© 2025 / The Author(s) retain the Copyright and full publishing rights.

Publisher: Islamic Propagation Office of Qom Seminary- Khorāsān-e-Razavi Branch. DOI: <https://doi.org/10.22034/jrj.2025.71597.2975>

Adopting an analytical and inferential approach grounded in the sources of Imāmī jurisprudence, the present study argues that, in the promissory (*'ahdī*) model, the absence of genuine contractual intent constitutes a fundamental obstacle to validity, while in the proprietary (*milki*) model, the prohibition associated with deferred-for-deferred sale presents a significant impediment.

Nevertheless, through juristic restructuring of the settlement mechanism, the establishment of a Shar'ī-compliant clearinghouse, and recourse to alternative contractual forms (*'uqūd*)—such as stipulations within a contract (*sharṭ ḍamn al-'aqd*), conditional *salaf*, and obligational compromise (*muṣālaḥah al-ta'ahhudīyyah*)—it may be possible to align certain forms of such transactions with the principles of Imāmī jurisprudence.

چالش‌های اساسی مشروعیت معاملات آتی فارکس در فقه امامیه^۱

✉  محسن یوسفی

دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه (پژوهش‌ورز مرکز پژوهشی فقه و علوم اسلامی)؛

رایانامه: moohsen86589@gmail.com ; <https://orcid.org/0009-0006-0709-3299>



تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱

چکیده

چالش‌های اساسی
مشروعیت
معاملات آتی
فارکس در فقه
امامیه
۱۱۵

فارکس به عنوان بزرگ‌ترین بازار مالی جهان، روزانه بیش از شش تریلیون دلار گردش مالی دارد و بخش قابل توجهی از آن به معاملات آتی ارزی در قالب پیمان‌های آتی و قراردادهای آتی اختصاص یافته است. اهمیت این معاملات در مدیریت ریسک و تثبیت نرخ ارز، بررسی مشروعیت آن‌ها را در فقه امامیه ضروری ساخته است.

با این حال، در ساختار فارکس فعال در ایران، به‌ویژه در کارگزاری‌های خصوصی، اغلب ارتباط مستقیم با بازار بین بانکی بین‌المللی برقرار نیست یا در صورت وجود ارتباط، معامله واقعی و تحویل ارز انجام نمی‌شود و تنها مابه‌التفاوت قیمت‌های اعلامی تسویه می‌گردد. این وضعیت، چه در مدل عهدي (تعهد به معامله در آینده) و چه در مدل ملكي (بيع كالي به كالي)، زمینه‌ساز اشکالاتی چون صوری بودن، اکل مال به باطل و عدم لزوم تعهدات ابتدایی است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی و استنباطی و بر پایه منابع فقه امامیه نشان می‌دهد که در

۱. یوسفی، محسن (۱۴۰۴). «چالش‌های اساسی مشروعیت معاملات آتی فارکس در فقه امامیه». جستارهای فقهی و

اصولی. ۱۱: ۴۱ (۴). صص: ۱۱۳-۱۴۶. <https://doi.org/10.22034/jrj.2025.71597.2975>



© ۱۴۰۴. نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.

ناشر: مرکز تخصصی آخوند خراسانی دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی.

مدل عهدي، فقدان قصد واقعي و در مدل ملكي، شمول عنوان بيع كالي به كالي، مانع مشروعيت معامله است. با اين حال، با بازطراحي فقهي سازوكار تسويه، ايجاد اتاق پايپاي شرعي و به كارگيري عقود جايگزين مانند شرط ضمن عقد، سلف مشروط و مصالحه تعهدي، مي توان زمينه انطباق اين معاملات با موازين فقه اماميه را فراهم ساخت.

كليد واژه ها: بازار فاركس، معاملات آتي، صوري بودن، اكل مال به باطل، لزوم قرارداد.

مقدمه

بازار تبادل ارزهاي خارجي (فاركس) به عنوان يكي از بزرگ ترين و پوياترين بازارهاي مالي جهان، روزانه شاهد حجم عظيمي از معاملات ارزي است؛ ميانگين حجم روزانه اين بازار در سال ۲۰۲۲ حدود ۷.۵ تيليون دلار بوده است (Investopedia, 2024a, <https://www.investopedia.com/terms/c/cashsettlement.asp>. BIS, 2022, https://www.bis.org/statistics/rpfx22_fx.htm). اين بازار بين المللي امكان مبادله ارزهاي مختلف را به صورت الكترونيكي و غير متمرکز فراهم کرده و نقش اساسي در تسهيل تجارت جهاني، سرمايه گذاري و سياست هاي پولی كشورها ايفا مي كند. در فاركس، نهادهاي مالي، بانك هاي مركزي، مؤسسات سرمايه گذاري و معامله گران خرد به خريد و فروش جفت ارزها مي پردازند و از نوسانات نرخ ارز براي كسب سود يا مديريت ريسك استفاده مي كنند. ويژگي هايي مانند نقدشوندگي بالا، دسترسي ۲۴ ساعته و امكان بهره گيري از اهرم هاي مالي، جذابيت اين بازار را دوچندان کرده است. يكي از ابزارهاي مهم در اين بازار، معاملات آتي است كه تقريباً يك پنجم از كل حجم مبادلات فاركس را تشكيل مي دهد. اين معاملات، با هدف مديريت ريسك و پيش بيني تغييرات نرخ ارز، جايگاه ويژه اي دارند و به سرمايه گذاران امكان مي دهند تا نرخ ارزهاي مختلف را در آينده تثبيت كنند. ارکان و بازيگران كليدي بازار فاركس را مي توان به چند دسته تقسيم كرد:

معامله گران: شامل اشخاص حقيقي - خرد - و حقوقي - مانند بانك ها،

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۱
۱۴۰۴

۱۱۶

صندوق‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های بین‌المللی - که با انگیزه‌های سفته‌بازی، پوشش ریسک یا تسهیل تجارت خارجی وارد معاملات می‌شوند.

کارگزاران:^۱ واسطه‌هایی که دسترسی معامله‌گران به بازار فارکس را فراهم می‌کنند و ممکن است در قالب «Market Maker» (طرف مستقیم معامله با مشتری) عمل کنند یا سفارش‌ها را مستقیماً به شبکه بین بانکی منتقل نمایند (مدل ECN).

بانک‌های تجاری و مرکزی: بازیگران اصلی تأمین‌کننده نقدینگی که نقش تعیین‌کننده در نرخ ارز و سیاست‌های پولی دارند.

اتاق پایاپای:^۲ نهادی که در برخی بازارهای آتی و متمرکز، ضمانت اجرای تعهدات را بر عهده دارد، هرچند در فارکس غیرمتمرکز، بروکرها نقش مشابهی در تضمین تسویه معاملات ایفا می‌کنند (Investopedia, 2024a, <https://www.investopedia.com/terms/c/cashsettlement.asp>).

فرایند اجرای معاملات در فارکس به‌طور خلاصه چنین است: یک معامله‌گر تصمیم می‌گیرد جفت‌ارز EUR/USD را خریداری کند. وی ابتدا حساسی نزد یک بروکر باز کرده و مبلغی را به‌عنوان وثیقه یا مارجین^۳ واریز می‌نماید. این مبلغ تنها کسری از ارزش کل معامله است و کارگزاری با استفاده از سازوکار اهرم^۴ امکان انجام معامله‌ای چندین برابر سرمایه اصلی را فراهم می‌آورد؛ برای مثال، با اهرم ۱:۱۰۰، معامله‌گری که تنها ۱۰۰۰ دلار واریز کرده است، می‌تواند معامله‌ای به ارزش ۱۰۰,۰۰۰ دلار منعقد کند. این مکانیسم با استفاده از وام‌گیری از بروکر، سود و زیان را چندین برابر می‌کند (In-vestopedia, 2024b, <https://www.investopedia.com/terms/f/forex.asp>). بدین ترتیب، تغییرات اندک در نرخ ارز می‌تواند منجر به سود یا زیان‌های بسیار بزرگ‌تر نسبت به سرمایه اولیه شود.

پس از ثبت سفارش، اجرای معامله بسته به نوع کارگزاری به دو شیوه انجام

1. Brokers.

2. Clearing House.

3. Margin.

4. Leverage.

می‌شود: مدل مارکت‌میکر^۱ که در این مدل، کارگزاری طرف مقابل معامله‌گر قرار می‌گیرد و معاملات در درون همان کارگزاری تسویه می‌شوند و مدل شبکه ارتباطات الکترونیک (ECN) که در این مدل، سفارش معامله‌گر مستقیماً به شبکه بین بانکی^۲ ارسال شده و در مقابل سفارش سایر بانک‌ها و مؤسسات مالی قرار می‌گیرد.

مهم آن است که در اکثر معاملات فارکس، در هر دو شیوه، تحویل واقعی ارز صورت نمی‌گیرد؛ بلکه در پایان معامله، سود یا زیان صرفاً از طریق تسویه نقدی^۳ محاسبه و به حساب معامله‌گر واریز یا از آن کسر می‌شود. این روش با انتقال تفاوت قیمت اولیه و نهایی، بدون تحویل فیزیکی دارایی، انجام می‌گیرد و بیشتر قراردادهای آتی را پوشش می‌دهد (Investopedia, 2024c, <https://www.investopedia.com/>).
(terms/1/leverage.asp. BIS, 2022, https://www.bis.org/statistics/rpfx22_fx.htm).
به بیان دیگر، معامله‌گر تنها از تفاوت میان نرخ باز شدن و بسته شدن پوزیشن منتفع یا متضرر می‌شود، بدون آنکه ارزی واقعی دریافت یا پرداخت کند.

در ایران، بسیاری از بروکرها به بازار واقعی متصل نیستند و معاملات صرفاً براساس تفاوت قیمت اعلامی و بدون تملک ارز، تسویه می‌شوند. معاملات آتی در فارکس به دو شکل اصلی انجام می‌شوند:

قراردادهای آتی استاندارد شده که این نوع قراردادها در بورس‌ها تنظیم و معامله می‌شوند و پیمان‌های آتی خاص که این قراردادها در بازارهای خارج از بورس (OTC) به صورت خصوصی میان طرفین منعقد می‌شوند (Investopedia, 2024a, <https://www.investopedia.com/terms/c/cashsettlement.asp>). بخش عمده معاملات آتی در فارکس از نوع پیمان آتی است. با این حال، تمرکز بازار بر جنبه‌های مالی و بی‌توجهی به جنبه‌های حقوقی و شرعی، امکان انعقاد معاملات آتی در هر دو مدل عهدی و ملکی را فراهم کرده است. در مدل عهدی، طرفین متعهد به خرید یا فروش ارز با قیمتی مشخص در آینده می‌شوند، در حالی که در مدل ملکی، قصد

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۱
۱۴۰۴

۱۱۸

1. Maker Market.
2. Interbank Market.
3. Cash Settlement.

انعقاد بیع از ابتدا وجود دارد و تملیک و تملک عوضین انجام می‌شود؛ اما تسلیم به سررسید آینده موکول می‌گردد.

چالش‌های مدل ملکی، مانند بیع کالی به کالی، فروش مبیع پیش از سررسید و بیع دین به دین، در آثار فقهی پیشینیان به‌خوبی بررسی شده و نظر مشهور فقها بر بطلان آن استوار است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۱۲۳/۲؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق، ۳۸۹/۱؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ۵۵/۲؛ آل عصفور، ۱۴۰۵ق، ۱۵/۲۰؛ عاملی، ۱۴۱۹ق، ۷۲۳/۱۳).

برخی اشکالات نظیر غرر در پژوهش‌های پیشین مرتفع شده و نیاز به بازنگری ندارد؛ ازجمله: مقاله تحلیل حقوقی موضوع و طرف‌های معامله در قراردادهای آتی با تأکید بر مدیریت ریسک اثر محمدمهدی حاجیان، مقاله بررسی فقهی قرارداد آتی، احکام و آثار آن بر مبنای فقه امامیه اثر غلامعلی معصومی‌نیا، میثم فدایی و حمیدرضا صائمین و مقاله بررسی مشروعیت قرارداد آتی از دیدگاه آیت‌الله علی‌عندلیبی اثر علی‌ظہیری.

با این حال، بررسی فقهی نشان می‌دهد که در مدل عہدی، مسائلی همچون فقدان قصد جدی برای اجرای تعهدات، اکل مال به باطل و الزام‌آور بودن توافق‌های پیش‌قراردادی، موانع جدی شرعی ایجاد می‌کنند. این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا عدم انطباق با احکام شرعی نه تنها این معاملات را از منظر فقهی باطل می‌سازد، بلکه می‌تواند پیامدهای اقتصادی و اجتماعی برای مسلمانان فعال در این بازار به همراه داشته باشد. از این رو، بازنگری این چالش‌ها در چارچوب فقه معاصر ضروری است. پژوهش‌های پیشین درباره قراردادهای آتی در فارکس از منظر فقهی و اقتصادی محدود بوده و کمتر به‌طور خاص به موانع شرعی این معاملات پرداخته‌اند. کتاب «فارکس آتی: بررسی مالی و فقهی» اثر محمدی و همکاران تنها اثر متمرکز بر این موضوع است که عمدتاً به کلیات پرداخته و چالش‌های فقهی را به صورت گذرا مطرح کرده است.

همچنین، مقاله «بررسی فقهی معاملات بازار فارکس» از خاتمی، ظہیری و عندلیبی اگرچه به معاملات آتی اختصاص ندارد؛ ولی ابعاد فقهی فارکس را در قالب معاملات عادی، اهرمی و قراردادهای مابه‌التفاوت (CFD) بررسی کرده و امکان

تصحیح این قراردادها با وجود اشکالات فقهی را تأیید می‌کند. سایر مطالعات عمدتاً مشروعیت قراردادهای آتی را در بازار بورس تحلیل کرده‌اند. با وجود اشتراکات میان چالش‌های فقهی این معاملات در بازارهای بورس و فارکس، می‌توان به‌عنوان پیشینه این تحقیق به آن‌ها نیز اشاره نمود؛ اگرچه برخی چالش‌ها مانند صوری بودن در فارکس نمود برجسته‌ای دارند. برای مثال، مقاله «بررسی مشروعیت قرارداد آتی از دیدگاه آیت‌الله علی‌عندلیبی» از ظهیری با تحلیل مبانی فقهی، به نقد ادله جواز و حرمت پرداخته و با ارائه پیشنهادهایی، امکان مشروعیت بخشی به این قراردادها را بررسی کرده است.

تحقیقات پیشین اغلب سه چالش اصلی - صوری بودن، اکل مال به باطل و عدم لزوم - را به صورت ناقص یا با کاستی‌هایی در تحلیل فقهی بررسی کرده‌اند؛ در حالی که راهکارهای ارائه شده کافی نیست. این مطالعه با تمرکز بر استنباط دقیق فقهی این سه حوزه، درصدد ارائه تحلیلی جامع‌تر و نظریه‌ای متقن‌تر است.

سؤال اصلی پژوهش این است که معاملات آتی در بازار فارکس از منظر فقه امامیه با چه چالش‌هایی در انعقاد، صحت و لزوم مواجه‌اند و چگونه می‌توان این موانع را تحلیل و رفع کرد؟

فرضیه پژوهش آن است که با وضعیت فعلی این بازار، اغلب این معاملات از نظر فقهی با هر سه چالش - صوری بودن، اکل مال به باطل و عدم لزوم - مواجه هستند و برای خروج از این وضعیت، لازم است این معاملات در قالب معاملاتی دیگر منعقد شده و به برخی شرایط شرعی ملتزم گردند.

سؤالات فرعی پژوهش عبارت‌اند از:

آیا قصد جدی طرفین در انعقاد معاملات آتی فارکس، به‌ویژه در مدل عهده، با شرایط فقهی انعقاد عقود سازگار است و چگونه می‌توان از صوری بودن آن پیشگیری کرد؟ آیا تسویه نقدی در معاملات آتی فارکس، به‌ویژه در مدل عهده، مصداق اکل مال به باطل است و چه راهکارهایی برای رفع این مانع وجود دارد؟ آیا معاملات آتی عهده در فارکس از نظر فقهی لازم‌الاجرا یا جایز هستند و چگونه می‌توان ضمانت اجرایی آن‌ها را با موازین شرعی تأمین کرد؟

تحلیل این چالش‌ها در سه محور انعقاد، صحت و لزوم انجام خواهد شد.

۱. چالش نداشتن قصد جدی یا قصد غیر منطبق با مفاد

اولین چالش اساسی در مشروعیت معاملات آتی، به‌ویژه در بازار فارکس، فقدان قصد جدی برای انجام تعهدات است. از شرایط اساسی ایجاب و قبول، قصد واقعی و جدی برای تحقق مفاد عقد است؛ بدون آن، عقد منعقد نمی‌شود (عاملی، ۱۴۱۷ق، ۱۹۲/۳؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ۱۷/۱۰؛ آل عصفور، ۱۴۰۵ق، ۳۷۳/۱۸؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ۲۹۵/۳؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ۵۱/۲).

قصد، جنبه معنوی عقود را تشکیل می‌دهد و الفاظ و افعال تنها بیانگر آن هستند (صفایی، ۱۳۸۲، ۱۰۴/۲-۱۰۵). در معاملات نوپدید، توجه به این رکن بسیار ضروری است؛ زیرا معامله‌گران ممکن است قصد متفاوتی از مفاد قرارداد داشته یا حتی از آن بی‌اطلاع بوده و بر اساس تصور نادرست عمل کنند. این مشکل نه‌تنها افراد مبتدی بلکه افراد حرفه‌ای را نیز تهدید می‌کند.

قصد صوری یا نادرست یک طرف، حتی با وجود قصد کامل طرف دیگر، تطابق اراده‌ها را مختل کرده و عقد را دچار اشکال می‌کند. از این رو، معامله‌گر باید از قصد صحیح خود و طرف مقابل اطمینان حاصل نماید.

اقتصاددانان مسلمانی مانند عصمت پاشا و فهیم خان به این چالش در عقود آتی اشاره کرده و بیان داشته‌اند که این قراردادها اغلب بدون معامله واقعی پایان می‌یابند و سود از تفاوت قیمت‌ها به‌دست می‌آید (عصمت پاشا، ۱۳۸۲، ۱۳۹؛ فهیم خان، ۱۹۹۷م، ۲۲؛ مرادی، ۱۳۸۶، ۲۳). تحقیقات دیگر نیز تأکید کرده‌اند که تحویل کالا و پرداخت ثمن به‌ندرت رخ می‌دهد و طرفین از آن آگاه هستند (چیت‌سازان و نوع‌پرور، ۱۳۹۵، ۶۴).

کمیته فقهی سازمان بورس نیز در این زمینه اعلام کرده است که قصد جدی معامله وجود ندارد و بازار، ماهیتی کاغذی دارد (کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس، ۱۳۸۶، ۳/۲). این کمیته در جلسه‌ای با کارشناسان اقتصاد اسلامی توضیح داده است که در ۹۹ درصد موارد، معاملات آتی تسویه نقدی می‌شوند و تحویل کالا نادر است؛ از طرفی معامله‌گران یا برای پوشش ریسک یا برای کسب سود از تغییر قیمت وارد

معامله می‌شوند، نه برای تحویل واقعی کالا (کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس، ۱۳۸۶، ۲). پاسخ‌هایی به این اشکال ارائه شده است؛ اما به دلیل عدم درک صحیح ماهیت مشکل، کافی نیستند؛ برای مثال، بیان شده است که خرید و فروش برای سود از نظر فقهی مانعی ندارد و معاملات آتی فوایدی چون کشف قیمت دارند (عزیزی، ۱۳۷۷)؛ اما اشکال اصلی در فایده یا سودجویی نیست، بلکه در صوری بودن قصد طرفین است. همچنین گفته شده است که هدف این معاملات مدیریت ریسک است و از نظر شرع امضایی هستند. از طرفی عقل روشی را که پسندیده بدانند، اسلام نیز قبول دارد (رجائی، ۱۳۷۵، ۴۴-۷۸). این پاسخ نیز تنها به هدف عقلایی معامله توجه دارد و به منشأ اصلی ایراد یعنی فقدان قصد جدی نمی‌پردازد.

پاسخ دیگر این است که تعهد به معامله آتی با امکان خروج از طریق معامله معکوس، منافاتی با قصد انشا ندارد؛ قصد در زمان انعقاد مهم است، نه تصمیمات بعدی (چیت‌سازان و نوع‌پرور، ۱۳۹۵، ۶۵). این پاسخ تا حدودی صوری بودن ناشی از معاملات ثانویه را رفع می‌کند؛ اما قصد اولیه برای تسویه نقدی را پوشش نمی‌دهد. همچنین وجه الضمان نیز قصد جدی را نفی نمی‌کند: «بیعانه ممکن است خيار فسخ ایجاد کند؛ اما اراده جدی را زیر سؤال نمی‌برد» (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۲۲۳-۲۲۴؛ چیت‌سازان و نوع‌پرور، ۱۳۹۵، ۶۵).

پیشنهادهای فقهی و کارشناسی برای رفع صوری بودن معاملات آتی نیز ارائه شده است. کمیته فقهی سازمان بورس پیشنهاد داده است که با وضع قوانین مانند محدود کردن معاملات به موجودی کالا یا شرط قدرت بر تسلیم، می‌توان از صوری شدن جلوگیری کرد (کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس، ۱۳۸۶، ۴). برخی کارشناسان نیز تأکید کرده‌اند که بطلان معاملات از سوء استفاده جداست؛ با موانع قانونی باید از سفته‌بازی جلوگیری کرد (شعبانی و بهاروندی، ۱۳۸۹، ۶۴).

معصومی‌نیا درباره آتی شاخص سهام می‌نویسد: «این معاملات ۱۰۰ درصد تسویه نقدی می‌شوند و قصد واقعی وجود ندارد، چون شاخص اعتباری است و قابل تحویل نیست (معصومی‌نیا، ۱۳۸۵، ۱۷۸). این استدلال با تعمیم به دیگر معاملات آتی نیز قابل طرح است.

۱/۱. تقریب صحیح اشکال صوری بودن

معاملات آتی به دو مدل تقسیم می‌شوند: عهدی (تعهد به معامله) و ملکی (کالی به کالی). به نظر نگارنده، صوری بودن عمدتاً در مدل عهدی رخ می‌دهد؛ زیرا در معاملات آتی ملکی، قصد ثانویه برای معامله قبل از سررسید یا تسویه نقدی، با قصد اولیهٔ بیع کالی به کالی منافاتی ندارد. البته برخی اشکالات دیگر، مانند «بیع ما لایملک» یا «بیع دین به دین»، در این مدل مطرح هستند؛ اما این موارد مرتبط با قصد معامله نیستند و جنبه‌های دیگری از مشروعیت فقهی را مورد بحث قرار می‌دهند.^۱ در تسویه نقدی آتی ملکی، دو روش ممکن است:

معاملهٔ طلب‌ها: خریدار مژمن را به ثمن طلب‌شده از فروشنده می‌فروشد (بیع دین به دین). اگر بیع دین به دین باطل باشد، تسویه نیز باطل خواهد بود؛ البته اگر نهی تکلیفی باشد، تنها معصیت رخ می‌دهد و از حیث وضعی معامله صحیح است و در صورتی که نهی تنزیهی مراد باشد، این نحوهٔ تسویه هیچ‌گونه اشکالی ندارد.

بیع به ذمه: خریدار مژمن را نقداً به ذمهٔ فروشنده می‌فروشد و سپس طلب و بدهی تهاتر می‌شود. این روش (بیع دین به غیر دین) مشکل فقهی ندارد. در تسویه فیزیکی نیز فروشنده کالا را تحویل داده و خریدار با احتساب وجه تضمین، مابقی را می‌پردازد که از نظر فقهی مشکلی ایجاد نمی‌کند، هرچند وقوع این روش تسویه در معاملات فارکس بسیار نادر است؛ بنابراین، در آتی ملکی قصد صوری وجود ندارد؛ اما در مدل عهدی، صوری بودن همچنان چالش اصلی است.

در مدل آتی عهدی، چه قرارداد به صورت معامله و چه به شکل تعهد معوض تفسیر شود، اگر از ابتدای انعقاد عقد طرفین به عمل به تعهدات واقعی بنا نداشته

۱. در مدل ملکی، طرفین از ابتدا بیع واقعی را محقق می‌سازند و تنها تحویل ثمن و مژمن به آینده موکول می‌شود؛ بنابراین، قصد آن‌ها برای انجام معامله واقعی است، حتی اگر انگیزهٔ اصلی آن‌ها کسب سود از طریق فروش مجدد یا دریافت مابه‌التفاوت باشد؛ زیرا انگیزهٔ اقتصادی به قصد معامله خللی وارد نمی‌کند. در مقابل، در مدل عهدی، طرفین در ابتدا تنها متعهد به انجام بیع در آینده می‌شوند و هیچ بیعی در زمان انعقاد قرارداد واقع نمی‌شود. مشکل اصلی آنجاست که با توجه به اینکه بیش از نود درصد این قراردادها به تسویه نقدی (پرداخت مابه‌التفاوت) منجر می‌شوند، به نظر می‌رسد قصد اصلی بسیاری از معامله‌گران از ابتدا، انجام بیع واقعی در سررسید نیست، بلکه هدف آن‌ها صرفاً دریافت اختلاف قیمت است. این وضعیت نشان‌دهندهٔ عدم تطابق قصد واقعی طرفین با مفاد ظاهری قرارداد (تعهد به بیع) است و باعث می‌شود این تعهد جنبه‌ای صوری پیدا کند.

باشند و تنها قصد تسویه نقدی داشته باشند، ایراد صوری بودن عقد آتی رخ می‌دهد. با توجه به واقعیت موجود در بازارهای آتی که بیش از نود درصد معاملات به تسویه نقدی منجر می‌شوند، زمینه عدم قصد انجام تعهدات در ذات این عقد به طور غیرقابل انکاری نهفته است. احتمالاً اگر از اکثریت معامله‌گران درباره قصد واقعی پرسیده شود، هیچ یک اراده‌ای برای عمل به تعهدات (خرید و فروش دارایی پایه) نخواهند داشت که این امر موجب صوری شدن قصد اولیه می‌گردد.^۱ تنها در صورتی می‌توان صوری بودن را برطرف کرد که هنگام سررسید، معامله بیع واقعی مطابق تعهدات انجام شود و با استفاده از یکی از دو روش مذکور در تسویه فیزیکی، پرداخت مابه‌التفاوت صورت گیرد؛ اما در حال حاضر، چنین رویه‌ای در ذهنیت و عملکرد معامله‌گران جایگاهی ندارد.^۲

معاملات آتی در بازار فارکس عمدتاً به صورت قراردادهای فوروارد OTC منعقد می‌شوند که برخلاف قراردادهای آتی استاندارد در بورس، تحت نظارت دقیق و سازوکار اتاق پایاپای قرار ندارند (هال، ۱۳۸۴، ۸۲). این موضوع به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران، به دلیل محدودیت‌های قانونی و شرعی و همچنین تحریم‌های بین‌المللی، تشدید می‌شود؛ به گونه‌ای که اتصال واقعی به بازار بین بانکی بسیار محدود است و بسیاری از کارگزاران صرفاً بر اساس قیمت‌های اعلامی اقدام به تسویه می‌کنند.

در چنین شرایطی، معامله‌گر نمی‌تواند احراز کند که سفارش او واقعاً در بازار جهانی ثبت و اجرا شده است یا صرفاً به صورت صوری و مجازی در قالب قرارداد مابه‌التفاوت (CFD) در پلتفرم نمایش داده شده است. روشن است که در این فرض، حتی اگر صورت عقد آتی فی‌نفسه مطابق موازین شرعی تلقی شود، حقیقتاً معامله‌ای

جستارهای
فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۱
۱۴۰۴

۱۲۴

۱. ایراد فقدان قصد جدی در مدل عهده، زمانی مطرح است که از ابتدای انعقاد قرارداد، بنا بر تسویه نقدی باشد. در غیر این صورت، اگر در ابتدا قصد عمل به تعهدات واقعی وجود داشته باشد، عقد محقق شده است. با این حال، اگر هنگام تسویه، طرفین اقدام به تسویه نقدی کنند، عقد از نظر شرعی به دلیل اکل مال به باطل دچار اشکال خواهد شد.

۲. طرق دیگری نیز برای بازخوانی تسویه نقدی در قالب عملیات شرعی تصویر می‌شود؛ برای مثال، یک طرف می‌تواند به دیگری وکالت دهد تا از جانب او کالای پایه را خریداری کند و سپس مابه‌التفاوت قیمت خرید و توافق شده را محاسبه نماید؛ اما همان‌طور که در اشکال توضیح داده شد، هیچ‌یک از این طرق، در عمل مصداق خارجی ندارد و معامله‌گران آن را قصد نکرده و نمی‌کنند؛ حداقل عملی که نشان‌دهنده چنین قصدی باشد نیز اتفاق نمی‌افتد.

در خارج تحقق نیافته و آنچه رخ داده است، چیزی جز یک بازی عددی در بستر نرم‌افزار نیست. این ویژگی، اشکال صوری بودن را در معاملات آتی فارکس به‌نحوی جدی‌تر از سایر بازارها مطرح می‌سازد.

این در حالی است که در معاملات آتی بورسی^۱ هرچند قصد اولیه برخی معامله‌گران معطوف به تسویه نقدی است؛ اما به هر حال قصدی هرچند مغایر با متعهد علیه وجود دارد و به‌واسطه نظارت سازمانی و سازوکار اتاق پایاپای، مالکیت عوضین - حداقل در سطح اعتباری و شکلی - تحقق یافته و امکان نکول طرفین تا حد زیادی مسدود می‌شود؛ بنابراین، عقد حداقل در ظاهر و با التزام عملی محقق می‌گردد.

در مقابل، در فارکس OTC، برخی بروکرها حتی این حداقل انتقال صوری مالکیت را نیز انجام نمی‌دهند و صرفاً بر مبنای تفاوت قیمت اقدام به تسویه می‌کنند. چنین وضعیتی، نه‌تنها از منظر فقهی، معامله را با اشکال جدی صوری بودن مواجه می‌سازد، بلکه از حیث اقتصادی نیز ریسک بسیار بالایی بر طرفین تحمیل می‌کند؛ بنابراین ورود به این بازار بدون نظارت و تضمین کافی، از دیدگاه فقهی مستلزم احتیاط شدیدتر است.

چالش‌های اساسی
مشروعیت
معاملات آتی
فارکس در فقه
امامیه

۱۲۵

۲. چالش اکل مال به باطل

یکی از موانع اساسی صحت معاملات آتی فارکس «اکل مال به باطل» شناخته می‌شود. این عنوان، قواعد عمومی و جامعی را در بر می‌گیرد که هرگونه تصرف در اموال دیگران بدون رضایت را منع می‌کند و هر نوع معامله یا تجارت را تنها در صورتی مشروع می‌داند که با رضایت و توافق طرفین صورت گیرد.

آیات متعددی به مفاد این قاعده تصریح دارند؛ ازجمله: بقره آیه ۱۸۸، نساء آیه ۲۹ و ۱۶۱ و توبه آیه ۳۴. در روایات نیز بر مصادیق مختلف آن، ازجمله ربا، قمار، سوگند دروغ، کم‌فروشی و ظلم تأکید شده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶۷/۱۷ و ۱۲۱/۱۸).

1. Futures.

این قاعده به عنوان ضابطه‌ای عمومی بر تمام عرصه‌های مالی سایه افکنده است و حتی امام صادق علیه السلام معاملات حلال مانند قرض گرفتن را مقید به آن دانسته و تأکید کرده‌اند که افراد تنها زمانی خود را مقروض سازند که خود یا سرپرستشان تمکّن وفای به وعده و پرداخت بدهی را داشته باشند (طوسی، ۱۴۰۷، ۱۸۵/۶ و ۳۸۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۸/۳۲۵).

واژه «باطل» در لغت به معنای نقیض و ضد حق بیان شده است (فراهمیدی، ۱۴۱۰، ۴۳۰/۷؛ جوهری، ۱۴۱۰، ۱۶۳۵/۴). مراد از این کلمه می‌تواند گستردگی و فراگیری نهی و ممنوعیت‌های معاملاتی ناشی از قاعده «اکل مال به باطل» را روشن سازد. برخی آن را محدود به تملک بدون پرداخت عوض دانسته‌اند و برخی دیگر آن را منحصر به تحصیل مال از راه خیانت معرفی کرده‌اند (طوسی، بی‌تا، ۱۷۸/۳). گروهی نیز آن را ناظر به سایر نواهی شرعی مانند قمار، ربا و دادوستد با پرتاب سنگریزه فرض کرده‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۴/۳۲۴).

برخی مفسران با توجه به معنای لغوی و عرفی واژه باطل را مفهومی عام دانسته‌اند که شامل هرگونه تصرف در اموال دیگران بدون عوض یا بدون سبب صحیح شرعی است؛ بنابراین، تجاوز، تقلب، غش، دزدی، رشوه و اخذ به زور نیز مشمول نهی آیات و ادله ناهیه می‌شوند. عمومیت باطل نسبت به معاملات، چه به سبب خصوصیات معامله یا عوضین یا متعاملین و چه در مواردی که اصلاً معامله‌ای در کار نباشد - مثل سوگند دروغ - جاری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ۳/۳۵۵).

برخی فقهای معاصر نیز به تأیید معنای اخیر، به کبرای مستفاد از روایات مانند باب جعاله، اجاره، مضاربه، اقاله همراه با وضعیه و حکم حرمت ربا استناد کرده‌اند که دلالت بر ممنوعیت تحصیل مال بدون عوض دارد (عندلیبی، ۱۴۰۰، ۱۹۵-۲۱۰). چنانچه مشخص است، بنا بر این تعریف، عنوان «باطل» اعم مطلق از برخی عناوین دیگر مانع صحت بیع است؛ اما در این پژوهش به جنبه‌ای از آن پرداخته می‌شود که از حیث عناوین دیگر صادق نباشد و معاملات مورد بحث قماری یا ربوی نباشند و مستقل از این موارد تحلیل شوند.

معاملات آتی فارکس در مدل ملک‌ی از این نظر ایرادی ندارد و تبادل اموال

انجام شده با «تَجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» (نساء: ۲۹) مطابقت دارد؛^۱ اما در مدل عهدی، فارغ از چالش اول، در صورتی که طرفین از ابتدا قصد جدی به انجام تعهدات داشته باشند، اگر در سررسید اقدام به تسویه نقدی کنند، اکل مال به باطل رخ خواهد داد؛ زیرا تعهد طرفین بر بیع مشخص شده بود، در حالی که در تسویه نقدی صرفاً مابه‌التفاوت قیمت پیش‌بینی شده با قیمت محقق شده در سررسید پرداخت می‌شود و تملک این اموال بدون هیچ سبب شرعی و در مقابل هیچ عوضی خواهد بود.

از سوی دیگر، طبق روایات، بیع عربون تنها در صورتی صحیح است که جزئی از ثمن معامله باشد وگرنه باطل و غیر مشروع است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵/۲۳۳). وجه الضمان نیز که شباهت‌هایی به عربون دارد و هدف آن حصول اطمینان و پوشش ریسک نکول طرف مقابل است، در تسویه نقدی همان حالت بیعانه تملک شده بدون انعقاد عقد را خواهد داشت؛ بنابراین باطل است.

این ابزار در فارکس، با توجه به ساختارمند نبودن پیمان آتی و وابستگی آن به شروط شخصی طرفین، هرچند با عنوان و قالب آتی منعقد شود؛ اما در واقع می‌تواند نیت طرفین بر معامله نوسان‌گیری و CFD باشد و طرفین تعهدی برای خرید و فروش در آینده نداشته باشند. در این حالت، قصد آن‌ها منطبق با تسویه نقدی خواهد بود و از این نظر مشکلی رخ نمی‌دهد؛ اما این نوع معامله مصداق قمار است و عوضین - که صرفاً پیش‌بینی طرفین هستند - دارای مالیت نخواهند بود؛ بنابراین باطل است و تصرف در اموال حاصل «اکل مال به باطل» خواهد بود (معصومی‌نیا، ۱۴۰۴، <https://sistani.org/arabic/book/15/814>؛ جمعی از نویسندگان، ۲۰۲۴م، <https://rmcharts.ir/sharia-ruling-forex>).

۲/۱. راهکارهای رفع اشکال اکل مال به باطل

چهار توجیه و راهکار برای برون‌رفت از ایراد «اکل مال به باطل» در تسویه نقدی وجود دارد:

۱. در تسویه نقدی مدل ملکی معاملات آتی فارکس، ممکن است اشکالات دیگری از جمله ممنوعیت فروش مبیع کلی قبل از قبض وجود داشته باشد.

۲/۱/۱. پرداخت مابه‌التفاوت به‌عنوان جبران خسارت (قاعده‌لاضرر)

یکی از توجیه‌های مطرح‌شده این است که پرداخت مابه‌التفاوت قیمت آتی و قیمت نقدی در سررسید، جبران خسارت طرف مقابل محسوب می‌شود و با قاعده «لاضرر» سازگار است، نه اکل مال به باطل. این قاعده، احکام وضعی و امور عدمی را نیز دربرمی‌گیرد (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ۲۳۵/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ۵۸/۱ و ۸۷).

با این حال، برای ارزیابی این توجیه، باید معنای «ضرر» روشن شود. در لغت، «ضرر» به ضد نفع تعریف شده است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ۷۱۹/۲)؛ اما این تعریف به دلیل ابهام و نقیض‌گویی کافی نیست. تعریف دقیق‌تر «کمبود در حق یا حال بد» است (ابن اثیر، ۱۳۶۷ق، ۸۱/۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۵۰۳) و فقها آن را «فقدان چیزی که داریم و از آن استفاده می‌کنیم» معنا کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ۵۵/۱).

تمایز «ضرر» و «عدم النفع» کلیدی است. ضرر به از دست دادن دارایی موجود اشاره دارد، در حالی که عدم النفع به نرسیدن به سود ممکن الحصول اطلاق می‌شود. عرفاً، کسی که سودی نبرد، ضرر نکرده است، هرچند در تسامح این دو مفهوم شباهت دارند. در معاملات آتی، اگر معامله‌گر به دلیل تعهد، از فرصت‌های دیگر صرف‌نظر کند، این «عدم النفع» است. از سوی دیگر، نوسانات قیمت تا سررسید ممکن است به نفع طرف مقابل باشد و او مدعی ضرر شود؛ اما این ضرر واقعی نیست. برای رفع ریسک نکول، ابزارهای قانونی و کیفری می‌توانند طرفین را ملزم به اجرای تعهد کنند، نه اینکه مابه‌التفاوت قیمت را جبران خسارت بدانیم؛ بنابراین، این توجیه اشکال را به‌طور کامل برطرف نمی‌کند؛ زیرا صدق «ضرر» در موارد آتی مبهم است.

۲/۱/۲. اعتبار عقد آتی به‌عنوان سبب مشروع پرداخت

برخی محققان معتقدند ایراد «اکل مال به باطل» در تسویه نقدی وارد نیست؛ زیرا پرداخت مابه‌التفاوت براساس عقد معتبر و تراضی طرفین انجام می‌شود. آن‌ها این اشکال را مصادره به مطلوب می‌دانند؛ یعنی تنها اگر معاملات آتی باطل باشند، این ایراد وارد است؛ در حالی که چنین نیست (چیت‌سازان و نوع‌پرور، ۱۳۹۵، ۶۸). با این حال،

این پاسخ ناکافی است. برای نقد آن، باید معنای «باطل» در عبارت «اکل مال به باطل» بررسی شود. ظاهر توجیه نشان می‌دهد که «باء» به معنای سببیت و «باطل» به معنای نامعتبر است؛ یعنی نهی از تصرف در مال بدون سبب شرعی یا عقلایی؛ اما معنای دقیق‌تر «بالباطل»، تصرف بدون عوض و در مقابل هیچ است و ایراد تسویه نقدی نیز از پرداخت مال بدون معامله واقعی نشأت می‌گیرد.

اشکال مهم‌تر این است که این توجیه نوعی مصادره به مطلوب است. در تسویه نقدی، معامله‌ای رخ نمی‌دهد که سبب معتبر تلقی شود، مگر آنکه تبادل وجه تضمین و عدم اعتراض به پرداخت را معامله‌ای نوپدید و مشمول اطلاعات صحت عقود بدانیم. با این حال، این ادعا اثبات نشده و با استدلال مخالفان در تناقض است که تسویه نقدی را بدون عوض می‌دانند.

برخی کارشناسان نیز گفته‌اند: «اگر مانع دیگری نباشد، اکل مال به باطل نیست؛ زیرا عقلاً آن را باطل نمی‌دانند» (معصومی‌نیا، ۱۳۸۷، ۳۱۱). با این حال، گرچه معنای عام «باطل» (تصرف بدون عوض) پذیرفته شده است، این دیدگاه اکل مال به باطل را وابسته به ادله دیگر بطلان می‌داند. در حالی که حتی اگر معاملات آتی از موانع دیگر خالی باشند، تسویه نقدی به دلیل فقدان عوض، از نظر شرعی و عرفی مشکل دارد و نیازمند دلیل معتبر برای رفع آن است.

چالش‌های اساسی
مشروعیت
معاملات آتی
فارکس در فقه
امامیه
۱۲۹

۲/۱/۳. رضایت طرفین و انطباق با هبه مشروطه

توجیه سوم این است که هرچند طرفین به تعهد اولیه (خرید و فروش کالا) عمل نمی‌کنند؛ اما به پرداخت مابه‌التفاوت اعتراض ندارند که نشان‌دهنده رضایت آن‌هاست. به این ترتیب، این رضایت، پرداخت را از بطلان خارج کرده و از نظر فقهی، قابل انطباق با «هبه مشروطه» و مصداق «تَجَرَّةٌ عَنْ تَرَاضٍ» (نساء: ۲۹) دانسته می‌شود.

با این حال، این پاسخ ناکارآمد است. اگر طرفین بدانند که شرعاً الزامی به پرداخت ندارند یا آن را ممنوع می‌دانند، در فضای رقابتی بازار عقلاً راضی به پرداخت نمی‌شوند و حتی از هبه اندک مال خودداری می‌کنند. این توجیه شبیه

قمار است؛ در قمار، شخص به شرطبندی راضی است تا شانس برنده شدن داشته باشد؛ اما این رضایت، آن را «تَجَرَّةٌ عَنْ تَرَاضٍ» (نساء: ۲۹) نمی‌کند. علاوه بر این، هبه عقدی جایز است و تا پایان، اختیار بازپس‌گیری در شرایط خاص باقی می‌ماند؛ لذا نمی‌توان آن را الزام‌آور و مصداق تجارت دانست. رضایت ظاهری در معاملات آتی نیز ممکن است ناشی از ناآگاهی شرعی یا فشار بازار باشد، نه تراضی واقعی.

۲/۱/۴. اجرای صوری تعهد و معامله معکوس

راهکار چهارم پیشنهاد می‌کند که در سررسید، طرفین به تعهد اولیه عمل کرده و اراده خرید و فروش دارایی پایه با قیمت معین را ابراز کنند. در این صورت، ثمن و مثنی به مالکیت طرفین درمی‌آید؛ اما تسلیم الزامی نیست. سپس خریدار دارایی را با قیمت روز به فروشنده می‌فروشد و با تهاتر طلب‌ها، مابه‌التفاوت به یکی از طرفین منتقل می‌شود. این روش، اکل مال به باطل را منتفی کرده و معامله را در چارچوب «تَجَرَّةٌ عَنْ تَرَاضٍ» (نساء: ۲۹) قرار می‌دهد. از مزایای آن می‌توان به نظارت کارگزاری و اتاق پایاپای به‌عنوان وکیل اشاره کرد که احتمال نکول را کاهش داده و ضمانت اجرایی را افزایش می‌دهد. اتاق پایاپای با واسطه‌گری، فرآیند را تسهیل کرده و اطمینان طرفین را تقویت می‌کند.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۱
۱۴۰۴

۱۳۰

این راهکار، برخلاف توجیهات قبلی، به‌جای توجیه پرداخت بدون عوض، ساختار معامله را اصلاح می‌کند. با اجرای صوری تعهد اولیه و معامله معکوس، هم مالکیت محقق می‌شود و هم مابه‌التفاوت به صورت مشروع جابه‌جا می‌گردد. این روش اشکال شرعی تسویه نقدی را دور زده و با تراضی واقعی طرفین، از نظر عقلایی و فقهی پذیرفتنی‌تر است. با این حال، اجرای آن نیازمند هماهنگی دقیق و التزام عملی طرفین و نهادهای ناظر است تا از صوری شدن خود این فرآیند جلوگیری شود. با وجود برخی مزایای این راهکار، الزامات و محدودیت‌هایی در اجرای آن وجود دارد که تحقق کامل آن را با چالش مواجه می‌سازد. در صورتی که مبیع عین مشخص و معین باشد، لازم است مالکیت فروشنده بر میزان تعیین شده از دارایی پایه در سررسید محقق شود. صرف موجود بودن مقدار مورد نظر در بازار کافی نیست و

در غیر این صورت، این روش به «بیع مالیس عندک» منجر خواهد شد؛ اما اگر مبیع کلی مافی‌الذمه باشد، این ایراد مرتفع خواهد شد؛ زیرا در معاملات آتی، به‌طور عمده مبیع به صورت کلی در ذمه تعیین می‌شود و تعهدات طرفین بدون نیاز به تملک پیشینی، قابلیت اجرایی خواهند داشت.

با این حال، تسویه معاملات آتی که در قالب خرید و فروش کلی فی‌الذمه و تهاوتر بدهی‌ها انجام می‌شوند، در صورتی که به صورت نقدی واقع شوند، ممکن است به معاملات کاغذی و خالی فروشی شباهت پیدا کنند و همان آسیب‌ها را به همراه داشته باشند. این موضوع می‌تواند موجب نوسانات کاذب قیمت و اختلال در بازار شود؛ زیرا فروشنده بدون داشتن کالا اقدام به فروش آن می‌کند که ممکن است عرضه کاذب افزایش یابد و قیمت کاهش پیدا کند. این نوسانات، علاوه بر اختلال در مکانیسم عرضه و تقاضا، می‌تواند به زیان تولیدکنندگان و سایر فعالان بازار منجر شود. با توجه به همین جهات و دیگر ایرادات، در مصوبه شورای فقهی بانک مرکزی (جلسه ۶۴ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۲ و جلسه ۶۶ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۹) و همچنین استفتای از مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۱، معاملات کاغذی غیر مشروع اعلام شده‌اند.

از طرف دیگر متعهد به خرید نیز لازم است کل مبلغ معامله را تحت مالکیت خود داشته باشد یا حداقل تأمین این مبلغ، هنگام مطالبه برای او مقدور باشد. صرفاً تأمین مبلغ وجه الضمان کافی نیست؛ زیرا معمولاً تنها درصد اندکی (۵ تا ۱۰ درصد) از ثمن تعهدشده را پوشش می‌دهد.

برای صحت معامله، باید کل مبلغ ثمن در اختیار خریدار باشد و تحت مالکیت او قرار گیرد؛ زیرا بدون این شرط، تعهد به پرداخت، بدون وجود دارایی کافی از سوی خریدار، ضمانت اجرایی معامله را تضعیف می‌کند. در این شرایط، اگر اتاق پایاپای به وکالت از خریدار متعهد به انجام تعهد شود، این وکالت باید شامل کل مبلغ ثمن باشد، در حالی که در عمل، اتاق پایاپای تنها به میزان وجه الضمان و مقداری محدود از حساب مشتری دسترسی دارد و امکان تصرف در کل ثمن متعهدعلیه را ندارد که این امر صحت معامله را مخدوش می‌سازد.

از آنجا وکالت از طرف موکل عقدی جایز است و هر لحظه ممکن است از آن منصرف گردد، این امر می‌تواند به خطر استنکاف هر یک از طرفین نسبت به انجام تعهدات منجر شود. صرف مشروط کردن وکالت ضمن عقد لازم نیز لزوماً براساس همه مبانی مشکل را حل نخواهد کرد؛ زیرا تخلف از شرط نهایتاً حکم تکلیفی دارد و معلوم نیست بتوان حق ممانعت موکل از برخی تصرفات وکیل را از او سلب کرد؛ زیرا صرفاً نائب و قائم مقام اوست.

حتی اگر وکالت حاصل از قرارداد امری ضروری و غیرقابل عزل باشد و طرفین ملزم باشند تا تمامی تصرفات لازم را همان ابتدای قرارداد به وکیل اعطا کنند، این وکالت صرفاً ناظر به مورد تعهد در بیع اول خواهد بود. مفاد قرارداد آتی تنها شامل خرید و فروش کالا در یک مرحله است و وکالت دادن برای فروش مجدد، خارج از تعهدات آتی محسوب می‌شود و نمی‌تواند الزامی برای تعهدکنندگان ایجاد کند؛ بنابراین اختیار ایشان برای جلوگیری از معامله مجدد باقی خواهد ماند. در نتیجه، راهکار فوق کامل نیست. فارغ از اینکه ملزم بودن طرفین به عنوان اصیل برای انجام معامله مجدد، مطابق برخی روایات مرابحه و بیع العینه که بر بقای اختیار طرفین تأکید دارند، صحیح نخواهد بود، چه برسد به اینکه مجبور به وکالت دادن به اتاق پایاپای برای انجام معامله مجدد شوند.

جستارهای
فقهی و اصولی
سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۱
۱۴۰۴
۱۳۲

هرچند در این راهکار، مقدار ثمنی که در نهایت جابجا می‌شود چیزی بیش از مابه‌التفاوت قیمت بازاری و قیمت متعهدعلیه نخواهد بود و از این حیث، سازگاری نسبی با تسویه نقدی دارد؛ اما در مرحله دوم که بیع مجدد صورت می‌گیرد، کل مبيع دوباره به مالکیت فروشنده بازمی‌گردد. در حالی که در تسویه نقدی، صرفاً مبلغ مابه‌التفاوت جابجا می‌شود و طرفین برای تحقق همان هدف اقدام به معامله کرده‌اند. در این میان، فروشنده به‌ویژه در تسویه نقدی، قصدی برای تملیک مبيع نداشته و ندارد.

از منظر فلسفه اقتصادی، این نحوه تسویه در معاملات آتی با هدف کاهش هزینه‌های جابجایی اموال و تسهیل تجارت طراحی شده است، به‌طوری که خریدار صرفاً با پرداخت مابه‌التفاوت خود اقدام به تهیه کالا از بازار کند یا فروشنده ریسک

نوسانات قیمت کالا را مدیریت نماید؛ اما در این مدل، فروشنده عملاً مجبور به خرید مجدد همان میزان کالای متعهد علیه به قیمتی بالاتر یا پایین‌تر از بازار می‌شود، به نحوی که نقش او در نهایت به خریدار تغییر می‌یابد. این امر ممکن است نه تنها مانع فروش کالاهای موجود او شود، بلکه باعث انباشت مقادیر زیادی کالا در دارایی‌هایش گردد که نیازمند هزینه‌های اضافی برای بازفروش مجدد در بازار خواهد بود.

از سوی دیگر، این معامله می‌تواند مصداق قاعده «ربح ما لم یضمن» باشد؛ زیرا در این نوع تسویه، فروشنده بدون آنکه کالا را در اختیار داشته باشد، از نوسانات قیمت آن سود می‌برد. علاوه بر این، چنین معامله‌ای ممکن است با اهداف شریعت اسلام در حوزه تجارت و معاملات ناسازگار باشد که شامل ایجاد رونق اقتصادی، تسهیل دادوستد و تأمین نیازهای واقعی معامله‌گران است. تأکید بر تسویه نقدی به این شکل می‌تواند موجب نوسانات شدید قیمت، شکل‌گیری حباب‌های قیمتی و اختلال در بازار شود و به زیان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بیانجامد.

چالش‌های اساسی
مشروعیت
معاملات آتی
فارکس در فقه
امامیه
۱۳۳

مشکل اساسی دیگر این است که معاملات آتی جاری در بازارهای داخلی و بین‌المللی، معمولاً بر میزان بسیار بیشتری از کالاهای واقعی یا موجود در بازار منعقد می‌شوند. در صورت لزوم تملک مجدد کالا، پاسخگویی به تمامی تعهدات به‌طور یقین امکان‌پذیر نخواهد بود، مگر آنکه اتاق پایاپای به‌عنوان یک شخصیت حقوقی، ملزم به بازخرید این کالاها از فروشندگان شود. در این صورت، هدف اصلی بیع، یعنی انتقال مالکیت کالا به مصرف‌کننده نهایی، تحقق نخواهد یافت و بخش عمده‌ای از کالاهای مورد نظر صرفاً به‌عنوان کالای سرمایه‌ای برای پوشش معاملات آتی و سایر ابزارهای مالی مشابه در مالکیت نهادهای حقوقی مانند اتاق پایاپای، شرکت بورس یا کارگزاری‌ها باقی خواهد ماند.

فارغ از الزامات و کاستی‌های پیشین، یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که این راهکار با آن مواجه است، عدم ارائه چارچوبی جامع برای بازخوانی معاملات آتی و پیشنهاد یک مدل فقهی قابل قبول است. این چالش را می‌توان در چهار بعد اصلی بررسی کرد:

۱. تصویر ارائه شده از لحاظ ساختاری پیچیده و نیازمند تحلیل‌های دقیق‌تر برای پیاده‌سازی عملی است.
 ۲. در این مدل، نگاه عرف متخصصان بازار و درک واقع‌بینانه از پیشینه معاملات آتی مورد توجه قرار نگرفته است.
 ۳. این راهکار فاقد چارچوب حقوقی و فقهی کارآمدی است که بتواند برای فعالان بازار، به‌ویژه در سطح اجرایی، مفید و قابل فهم باشد.
 ۴. این مدل با ادبیات متعارف و رایج در بازارهای مالی بین‌المللی انطباق و سازگاری کامل ندارد.
- بنابراین، عدم توجه به این ابعاد ممکن است ایراد «اکل مال به باطل» را برطرف کند؛ اما در عوض، موجب بروز ایراد مهم‌تری مانند «صوری بودن معامله» می‌شود که نه تنها صحت قرارداد را زیر سؤال می‌برد، بلکه اصل انعقاد چنین قراردادهایی در بازارهای مالی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳. چالش لزوم یا جواز آتی عهدی

چالش سوم مدل عهدی معاملات آتی فارکس، لزوم این معاملات است. بدون شک، معامله‌گران بازارهای مالی، از جمله فارکس، به دنبال قراردادهای لازم با ضمانت اجرایی کافی هستند و در صورت جواز شرعی این معاملات و امکان نکول از انجام آن، غرض آنان تأمین نخواهد شد؛ بنابراین قاعده اولیه در معاملات، صحت و لزوم است که مستند به آیات و روایات «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱) و «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۱/۲۷۶) است و معاملات آتی را نیز شامل می‌شود. با این حال، موانعی همچون خروج موضوعی شروط ابتدایی از ادله لزوم، ادعای اجماع بر عدم لزوم و روایات ناهیه لزوم این معاملات را به چالش می‌کشند.

ماهیت آتی عهدی تعهد یک‌طرفه یا متقابل است؛ برخی هر دو را غیر لازم می‌دانند و برخی معاهده را راه حل معرفی کرده‌اند که نیازمند بررسی بیشتر است. همچنین، به لحاظ نبود نظارت کافی و پشتیبانی قانونی در بازار فارکس، امکان نکول در این بازار بسیار جدی‌تر از سایر بازارهای مالی است و براساس اشکال فقهی به لزوم

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۱

۱۴۰۴

۱۳۴

معاملات، پیگرد حقوقی آن نیز با مشکل مواجه خواهد شد.

۳/۱. شرط ابتدایی بودن آتی عهده

ادله لزوم، مانند «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱) و «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ»، شامل شروط ابتدایی نمی‌شود؛ زیرا عقد، به معنای گره خوردن دو التزام است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۸۶/۴)، در حالی که تعهد یک‌طرفه فاقد این ویژگی است. در تعهد متقابل نیز استحکام لازم مورد تردید قرار دارد. عرفاً، تعهد متقابل «عقد» نامیده می‌شود و برخی تفاسیر، آیه را شامل عهود یک‌طرفه نیز می‌دانند (قمی، ۱۴۰۴ق، ۱۶۰/۱). روایات نیز شروط ضمن عقد و بنایی را لازم می‌دانند (نائینی، ۱۳۷۳ق، ۳۳۲/۳)؛ اما شروط ابتدایی را لازم نمی‌دانند (خوئی، ۱۴۱۸ق، ۳۵۳/۷). برخی از فقها «شرط» را به معنای مطلق التزام گرفته‌اند (نراقی، ۱۴۱۷ق، ۱۴۲).

۳/۲. اجماع بر عدم لزوم شروط ابتدایی

اجماع فقها بر عدم لزوم شروط ابتدایی (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ۲۵۶/۳) دلیل دیگری محسوب می‌شود؛ اما این اجماع مخدوش است؛ زیرا اجماع منقول حجیت ندارد، مگر آنکه کاشف از قول معصوم باشد (عنایلی، ۱۴۰۰، ۲۴۰) و ممکن است مستند آن شبهه مفهومی یا روایات باشد. همچنین، فتاوی کافی برای اثبات آن در دست نیست و برخی فقها معنای عام «شرط» را پذیرفته‌اند (طوسی، ۱۴۰۰ق، ۳۸۳/۲).

۳/۳. روایات ناهیه از الزام شروط ابتدایی

روایاتی در باب بیع‌العینه، الزام در تعهدات تمهیدی را منع کرده و بقای اختیار را شرط صحت معامله دانسته‌اند. این روایات شامل روایت موثقه معاویه بن عمار است: شخصی درخواست خرید حریر می‌کند و فروشنده پس از توافق آن را تهیه و می‌فروشد؛ امام علیه السلام می‌فرماید: اگر طرفین اختیار انصراف داشته باشند، اشکالی ندارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۵۱/۱۸).

در صحیحه ابن مسلم، مردی برای دیگری کالایی می‌خرد تا بعداً فروخته شود و

امام علیه السلام آن را مشروط بر بقای اختیار جایز می‌داند (حَرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ۵۱/۱۸). صحیحۀ عبدالرحمن بن حجاج نیز مشابه است: توافق بر خرید با سود مشخص و امام آن را با بقای اختیار طرفین مجاز می‌داند (حَرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ۵۱/۱۸).

اگر این روایات مطلق تلقی شوند، هر التزام پیش‌قراردادی، از جمله در معاملات آتی، باطل خواهد بود. با این حال، تفاسیر دیگری نیز برای این روایات مطرح شده است:

۱. **مطلق توافق بر عقد جدید:** این تفسیر، روایات را شامل هر نوع التزام، حتی شروط ضمن عقد می‌داند. برای مثال، در روایت موثقه معاویه، توافق بر خرید حریر، چه به صورت وعده ساده، چه به صورت التزام متقابل یا شرط در عقد دیگر، تنها در صورتی جایز است که طرفین اختیار داشته باشند. این برداشت حتی شروط ضمن عقد را که نزد فقها لازم است - مانند شروط در بیع - غیر لازم می‌کند که با اجماع و ادله لزوم، مانند «أَوْفُوا بِالْعُقُود» (مائده: ۱)، در تعارض قرار دارد. علاوه بر آن، این تفسیر وابسته به ردّ دیگر تفاسیر است و به دلیل تعارض با ضروریات فقهی، ضعیف تلقی می‌شود.

۲. **بیع العینه:** این تفسیر، روایات را مختص بیع العینه - که به عنوان حيله‌ای برای فرار از ربا شناخته می‌شود - می‌داند (شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ۲۷۹/۲). در این روش، شخص جنسی را نسبه به قیمت بالاتر می‌خرد و نقد به قیمت کمتر می‌فروشد تا پول نقد به‌دست آورد.

در روایت موثقه معاویه، خرید حریر با سود و سررسید توافق می‌شود، اما امام علیه السلام اختیار انصراف طرفین را شرط صحت معامله می‌داند تا از الزام شبیه ربا جلوگیری شود (حَرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ۵۱/۱۸). وجه استدلال بر عدم جواز معاهدات آتی با تفسیر مذکور این است که در بسیاری از موارد بیع العینه، مانند مورد موثقه معاویه، فروشنده جنس را در اختیار نداشته و پس از توافق طرفین، اقدام به خرید آن می‌کند. با این حال، امام علیه السلام شرط صحت چنین معامله‌ای را بقای اختیار طرفین در انجام معامله دانسته است؛ بنابراین، همانند محل نزاع، حتی با وجود توافق بر انجام معامله در آینده، شرط صحت چنین توافقی، الزام‌آور نبودن طرفین است.

شایان ذکر است که در بیع العینه، ضمن معامله نسبه اول، طرفین شرط می کنند که خریدار به قیمت پایین تر نقداً به فروشنده بفروشد. در روایات به این شرط نیز اشکال وارد شده است؛ اما موضوع این مقاله به این جهت نیست؛ زیرا تمرکز بر لزوم تعهدات اولیه معاملات آتی است، نه معاملات ثانویه. در پیمان آتی که عمده معاملات فارکس را شامل می شود، معاملات ثانویه اصولاً شرط نمی شوند و حتی رخ نمی دهند.

ظاهر این تفسیر تنها مختص موارد بیع العینه است که از معاملات آتی در هدف و زمان متفاوت است؛ در بیع العینه هدف کسب پول نقد در برابر تبادل کالا است و زمان معامله، نسیه فوری در برابر نقد آینده است، هرچند قصد سودجویی و اطلاق برخی روایات ممکن است معاملات آتی را نیز شامل شود. روایات مشابه با تصریح به بیع العینه (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ۵۳/۱۸) این برداشت را تقویت می کند، هرچند قید صریح در همه روایات وجود ندارد.

۳. **بیع مالایملک:** تفسیر سوم، روایات را ناظر به نهی از فروش کالای غیر مملوک می داند (شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ۲/۲۷۹). به عنوان مثال، اگر فروشنده حریر را قبل از تملک بفروشد، معامله باطل است؛ اما در روایت موثقه معاویه، فروشنده پس از خرید حریر آن را عرضه می کند؛ بنابراین مبیع موجود است. همچنین، ادله نشان می دهد بیع مالایملک در اعیان شخصی ممنوع است، نه در موارد کلی؛ در حالی که روایات حداقل اطلاق به کلی دارند؛ بنابراین، این تفسیر با متن روایات سازگار نیست و ضعیف تلقی می شود.

۴. **تعهد یا وعده یک طرفه:** تفسیر چهارم، روایات را ناظر به تعهد یک طرفه می داند؛ مانند وعده خرید یا فروش بدون عقد. در صحیح ابن مسلم، خرید برای دیگری به صورت وعده است و الزامی ندارد؛ اما در موثقه معاویه، عبارت «نجتمع علی شیء» و در صحیح عبدالرحمن، «فتراضی به» به توافق متقابل و عقد مقدماتی اشاره دارد. این تناقض، حمل بر وعده ابتدایی را خلاف ظاهر می کند (واعظی، ۱۴۰۱، جلسه ۳۸) و اگر وعده باشد، تخصصاً از ادله لزوم خارج است؛ اما ظهور روایات فراتر از این است.

۵. اعم از وعده و عقد مقدماتی: احتمال پنجم در تفسیر روایات، هر گونه التزام خارج از عقد اصلی (وعده یا عقد تمهیدی) را شامل می‌شود. شروط ضمن عقد به دلیل اجماع فقها لازم است، اما سایر تعهدات، مانند توافق در موثقه معاویه، غیر لازم تلقی می‌شوند. این برداشت با آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱) تعارض دارد؛ زیرا آیه به لزوم دلالت لفظی دارد و حجیت آن بر روایات ظنی مقدم است. تعارض در عقود تمهیدی است که روایات آن را غیر لازم می‌دانند، در حالی که آیه لازم می‌شمارد. همچنین ظهور برخی روایات - مثل فتراضی - وعده را نفی می‌کند؛ لذا این تفسیر نیز کامل نیست.

۶. عقد مقدماتی: در تفسیر ششم، این روایات مختص تعهدات تمهیدی (پیش قرارداد برای عقد آینده) دانسته شده است (واعظی، ۱۴۰۱، جلسه ۴۰). عباراتی چون «مقاله»، «تراضی» و «نجم علی شیء» در موثقه معاویه و صحیحہ عبدالرحمن به توافق دوطرفه اشاره دارند. با این حال، تمایز عقد تمهیدی با شروط ضمن عقد مبهم است؛ اگر عقد تمهیدی خود عقد باشد، چرا شرط عقد دیگر در آن لازم نباشد؛ اما در عقود معهود لازم باشد؟ همچنین قید صریحی برای اختصاص به عقود تمهیدی وجود ندارد و عبارات با وعده نیز سازگار هستند. این تفسیر، معاملات آتی را غیر لازم می‌کند؛ اما دلیل قوی برای این ظهور اقامه نشده است.

در نتیجه، با وجود احتمالات مختلف، قدر متیقن روایات غیر لازم بودن وعده یک طرفه است؛ اما در تعهدات متقابل یا معاوده، به ادله لزوم، مانند آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱)، استناد می‌شود. البته نسبت به برخی مصادیق تعهد دوطرفه که می‌توان آن را تحت عنوان «عقود تمهیدی یا عقود مقدماتی» نام گذاری کرد، تردید در لزوم همچنان موجه است و برخی فقها آن را لازم نمی‌دانند (تبریزی، ۱۴۲۷، ۱۰/۸؛ سیستانی، ۱۴۰۴، ۴/مسأله ۱۶۴۹)؛ لذا، هرچند به لحاظ ساختار بازار فارکس و تمهیداتی که برای ضمانت اجرایی معاملات در آن در نظر گرفته شده است، امکان نکول از اجرای تعهدات برای معامله گران فراهم نیست، استفاده از مدل ملکی معاملات آتی در قالب مصالحه کالی به کالی بهتر است؛ بنابراین در این روش، باید قصد خرید و فروش ارز همان ابتدا صورت پذیرد و تنها تسلیم عوضین به آینده موکول گردد.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۱
۱۴۰۴

۱۳۸

نتیجه‌گیری

معاملات آتی بازار فارکس در دو مدل ملکی و عهدی جریان دارد و اغلب این معاملات از نوع پیمان آتی (خارج از بورس) هستند. در نتیجه، استنباط فقهی ادله مشروعیت این معاملات، در صورتی که طرفین از ابتدا تنها به دنبال تسویه نقدی باشند با ایراد عدم قصد و صوری بودن مواجه است و از حیث شرایط صحت، مانع (اکل مال به باطل) در صورت تسویه نقدی در زمان سررسید شناخته می‌شود.

برای فرار از این دو ایراد، لازم است تمهیداتی برای واقعی سازی بازار و پرهیز از بازار کاغذی صورت پذیرد و اصل اولیه در این معاملات مبتنی بر انجام تعهدات واقعی باشد. لزوم تعهدات ابتدایی در جایی که به صورت دوطرفه انشا گردد، مطابق موازین فقهی پذیرفته شده است؛ اما در خصوص پیش قراردادها، با توجه به مخالفت مشهور فقها، شایسته احتیاط است؛ مگر اینکه قراردادهای آتی عهدی در بازار فارکس را از نظر عرفی عقدی مستقل و مقصود بالاصاله بدانیم که در این صورت داخل در عموماً صحت و لزوم شده و از شمول قدر متیقن شروط ابتدایی خارج می‌شود. برخی راهکارها، مانند ضمان، شرط ضمن عقد و سلف مشروط می‌توانند در تأمین مطلوب و مقصود معاملات آتی، حداقل در برخی موارد، مؤثر باشند و از نظر شرعی نیز مقبول فقها هستند. هرچند دغدغه اصلی تحقیق، واکاوی چالش‌های فقهی معاملات آتی فارکس است و راهکارهای برون‌رفت از آن نیازمند پژوهشی مستقل و جامع با بررسی جنبه‌های مختلف است؛ اما توضیح مختصری درباره برخی راهکارهای پیشنهادی ارائه می‌گردد.

در قالب شرط ضمن عقد، طرفین درصدی از عوضین - مثلاً ده درصد - را به صورت نقدی به یکدیگر می‌فروشند و در ضمن همان عقد، شرط می‌کنند که تقابض مابقی عوضین در سررسید مشخصی در آینده صورت گیرد. سپس در سررسید، با روش‌های مطرح شده برای تصحیح تسویه نقدی آتی ملکی، می‌توانند تنها مابه‌التفاوت را جابجا کنند. روشن است که شرط ضمن عقد، از حیث صحت و لزوم، ایرادی ندارد. همچنین در قالب سلف مشروط، طرفین می‌توانند درصدی از معامله - مثلاً ده درصد از مبلغ - را همان ابتدا پرداخت کنند و انجام مابقی تعهدات

را به آینده موکول نمایند تا از شبهه کالی به کالی و دیگر شبهات مصون بمانند.
با این حال، اغراض سرمایه‌گذاری و معامله‌گری در این بازار کاملاً متفاوت است
و راهکارهای مذکور ممکن است تنها برای برخی مفید باشند؛ بنابراین هر شخص
لازم است به مقتضای حال و هدف خود، به دنبال راهکار شرعی متناسب باشد.

منابع

قرآن کریم.

آل عصفور، یوسف بن احمد. (۱۴۰۵ق). **الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن اثیر، جزری، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷ق). **النهاية في غريب الحديث والأثر**. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

ابن ادریس، محمد بن منصور. (۱۴۱۰ق). **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن براج، عبد العزیز. (۱۴۰۶ق). **المهذب**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن فارس، ابو الحسین. (۱۴۰۴ق). **معجم مقانیس اللغة**. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). **مفردات ألفاظ القرآن**. لبنان: دار العلم.

انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۵ق). **کتاب المکاسب**. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ موسوی. (۱۴۱۹ق). **القواعد الفقهية**. ۷ جلدی، قم: نشر الهادی.

تبریزی، جواد. (۱۴۲۷ق). **صراط النجاة**. قم: دار الصدیقة الشهيدة.

جمعی از نویسندگان، (۲۰۲۴م). **حکم شرعی معاملات فارکس: حلال یا حرام؟**

<https://rmcharts.ir/sharia-ruling-forex>

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق). **الصحاح**. بیروت: دار العلم للملایین.

چیت‌سازیان، مرتضی و نوع‌پرور، مژگان. (۱۳۹۵). **قراردادهای (مؤجل) آتی در بورس اوراق بهادار**. **نشریه مبانی فقهی حقوق اسلامی**. ۹ (۱۷)، ۲۷-۸۰.

حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). **وسائل الشیعه**. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.

حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). **تذکرة الفقهاء**. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.

خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). **مصباح الفقاهه**. قم: نشر برگزیده.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۱
۱۴۰۴

۱۴۰

رجائی، مهدی. (۱۳۷۵). طراحی ابزارهای مالی در نظام مالی بدون ربا. پایان نامه کارشناسی ارشد. قم: مرکز پژوهش های اسلامی.

سیستانی، سیدعلی. (۱۴۰۴). توضیح المسائل جامع.

<https://www.sistani.org/arabic/book/15/814>

شعبانی، احمد، بهاروندی، احمد. (۱۳۸۹). قراردادهای آتی ها و اختیار معامله ارزی از دیدگاه فقهی و اقتصادی، مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره ۵ ISC (۳۲ صفحه - از ۳۷ تا ۶۸).

صفایی، سید حسین. (۱۳۸۲ش). قواعد عمومی قراردادها. تهران: نشر میزان.

طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۱۷ق). تفسیر المیزان. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۰ق). النهایه و نکتها. بیروت: دارالکتب العربی.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. تهران: دارالکتب الإسلامية.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیه. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عاملی، سید جواد بن محمد. (۱۴۱۹ق). مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

عاملی، محمد بن مکی (شهید اول). (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعية فی فقه الإمامیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

عزیزی، احمد. (۱۳۷۷). «بازار سلف ارز، موانع و مشکلات ایجاد آن در ایران»، مقاله ارائه شده در نهمین همایش بانکداری اسلامی.

عصمت پاشا، عبید الله. (۱۳۸۲). «فلسفه و سیر تکاملی ابزارهای مالی مشتقه و دیدگاه های فقهی». فصلنامه اقتصاد اسلامی. ۳(۹)، ۲۹-۴۰.

عندلیبی، علی. (۱۴۰۰). فقه بورس و اوراق بهادار. مقرر: ظهیری، علی. قم: موسسه انتشارات حوزه های علمیه.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.

فهمیم خان، محمد. (۱۹۹۷م). قراردادهای آتی اسلامی و بازارهای آنها. موسسه تحقیقات و آموزش اسلامی، بانک توسعه اسلامی. نشست ۳۲.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی، چاپ سوم. قم: دارالکتاب.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). عقود معین. تهران: شرکت سهامی انتشار.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامية.

- کمیتة تخصصی فقهی سازمان بورس. (۱۳۸۶). <http://www.rdis.ir>.
- مرادی، مهدی. (۱۳۸۶). «اوراق اختیار معامله، قراردادهای تحویل آتی و قراردادهای اسلامی مشابه آنها». *مجله دانش و توسعه*. شماره ۲۱، ۱۹۵-۲۱۵.
- معصومی نیا، غلامعلی. (۱۳۸۵). «بررسی فقهی ابزارهای مشتقه». *جستارهای اقتصادی*. شماره ۶، ۱۵۳-۱۸۸.
- معصومی نیا، غلامعلی. (۱۳۸۷). *بررسی فقهی ابزار مشتقه*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- معصومی نیا، غلامعلی. (۱۴۰۴). *بررسی فقهی معاملات فارکس و سی اف دی*. <https://rasanews.ir/fa/news>.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۹). *القواعد الفقهیه*. قم: نشر مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب اسلامی.
- موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۱ق). *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
- نائینی، محمد حسین. (۱۳۷۳ق). *منیة الطالب فی حاشیة المکاسب*. تهران: المكتبة المحمدية.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۷ق). *عوائد الأيام*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- واعظی، محمد سعید. (۱۴۰۱). *خارج فقه العقود*. قم: مؤسسه فقه و علوم اسلامی.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۲۳ق). *قراءات فقهیة معاصرة*. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
- هال، جان. (۱۳۸۴). *مبانی مهندسی مالی*. ترجمه سجاد سیاح و علی صالح آبادی، تهران: رایانه تدبیر پرداز.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۱
۱۴۰۴

۱۴۲

منابع لاتین:

- BIS Triennial Central Bank Survey. (2022) https://www.bis.org/statistics/rpfx22_fx.htm.
- Bodie, Z., Kane, A., & Marcus, A. (2018). Investments (11th global ed.). Berkshire: McGraw-Hill Education.
- Investopedia. (2024a). Cash Settlement: Definition, Benefits, and Examples. <https://www.investopedia.com/terms/c/cashsettlement.asp>.
- Investopedia. (2024b). Forex (FX): Definition, How to Trade Currencies, and Examples. <https://www.investopedia.com/terms/f/forex.asp>.

Investopedia. (2024c). What Is Financial Leverage, and Why Is It Important?. <https://www.investopedia.com/terms/l/leverage.asp>.

References

The Holy Qur'an.

Āl 'Uṣfūr al-Baḥrānī, Yūsuf ibn Aḥmad ibn Ibrāhīm. 1984/1405. *Al-Ḥadā'iq al-Nāḍirat fī Ahkām al-'Itrat al-Tāhīrah*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.

al-'Āmilī, Muḥammad Ibn Makkī (al-Shahīd al-Awwal). 1997/1417. *al-Durūs al-Shar'iyyat fī Fiqh al-Imāmīyya*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.

al-Anṣārī, Murtaḍā Ibn Muḥammad Amin (al-Shaykh al-Anṣārī). 1994/1415. *Kitāb al-Makāsib*. Qom: al-Mu'tamar al-'Ālamī Bimunasabat al-Ḍhikrā al-Mi'awīyya al-Thānīyya li Milād al-Shaykh al-A'ẓam al-Anṣārī.

al-Farāhīdī, Khalīl Ibn Aḥmad. 1989/1410. *Kitāb al-'ayn*. 2nd. Edited by Mahdī al-Makhzūmī and Ibrāhīm al-Sāmīrā'ī. Qom: Mu'assasat Dār al-Hijra.

al-Gharawī al-Iṣfahānī, Muḥammad Ḥusayn (al-Muḥaqqiq al-Iṣfahānī). 1953/1373. *Munyat al-Tālib fī Ḥāshīyat al-Makāsib*. 1st. al-Maktabat al-Muḥammadīyah.

al-Hāshimī al-Shāhrūdī, al-Sayyid Maḥmūd. 2011/1433. *Qirā'at al-Fiqhīyat al-Mu'āssirat*. 1st. Qom: Mu'assasat al-Ma'ārif al-Islāmīyya.

al-Ḥillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-'Allāma al-Ḥillī). 1993/1414. *Tadhkirat al-Fuqahā'*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Ḥiyā' al-Turāth.

al-Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad Ibn Ḥasan. 1988/1409. *Tafṣīl Wasā'il al-Shī'a ilā Tahṣīl al-Masā'il al-Sharī'a*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Ḥiyā' al-Turāth.

al-Ḥusaynī al-'Āmilī, al-Sayyid Muḥammad Jawād. 2004/1419. *Miftāḥ al-Kirāmat fī Sharḥ Qwā'id al-'Allāma*. 1st. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.

al-Ḥusaynī al-Sīstānī, al-Sayyid 'Alī. 1983/1404. *Tawḍīḥ al-Masā'il al-Jāmi'*. <https://www.sistani.org/arabic/book/15/814>.

al-Jawharī, Ismā'il Ibn Ḥammād. 1989/1410. *al-Ṣiḥaḥ: Tāj al-Lughat wa Ṣiḥaḥ al-'Arabīyyah*. 1st. Edited by Aḥmad 'Abd al-Ghafūr 'Aṭār. Beirut: Dār al-'Ilm li al-Malāyīn.

al-Kulaynī al-Rāzī, Muḥammad Ibn Ya'qūb (al-Shaykh al-Kulaynī). 1987/1407. *Uṣūl al-Kāfi*. Edited by 'Alī Akbar Ghaffārī and Muḥammad Ākhundī. 4th. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.

al-Makārim al-Shīrāzī, Nāṣir and others. 1994/1373. *Tafsīr-i Namūnah*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmī.

al-Makārim al-Shīrāzī, Nāṣir. 2000/1379. *al-Qawā'id al-Fiqhīyat*. Qom: Madrasī-yi Imām 'Alī Ibn Abī Ṭālib.

al-Mūsawī al-Bujnurdī, al-Sayyid Ḥasan. 1998/1419. *al-Qawā'id al-Fiqhīya*. Qom: Nashr al-Hādī.

al-Mūsawī al-Khu'ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 1997/1418. *Miṣbāḥ al-Fiqāhah*. Qom: Nashr-i Barguzīdih.

al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Sayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 2002/1421. *Kitāb al-Bay'*. Tehran: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.

al-Narāqī, Aḥmad Ibn Muḥammad Mahdī (al-Fāzil al-Narāqī). 1996/1417. *'Awā'id al-Ayyām fī Bayān Qawā'id al-Aḥkām wa Muḥimmāt Masā'il al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. Qom: Maktab al-I'lām al-Islāmī.

Al-Rāghib al-Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad ibn Mufaḍḍal. 1991/1412. *Mufradāt Alfāz al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-'Ilm- Dār al-Shāmīyah.

al-Ṭabāṭabā'ī, al-Sayyid Muḥammad Ḥusayn (al-'Allāma al-Ṭabāṭabā'ī). 1996/1417. *al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Mu'assasat al-'A'lāmī lil Maṭbū'āt.

al-Tabrīzī, Jawād. 2006/1427. *Shirāt al-Najāṭ*. 2nd. Qom: Dār al-Ṣiddīqa al-Shahīda (S.A.).

Al-Ṭūsī al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). n.d. *al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Edited by al-Sayyid Muḥammad Ṣādiq Āl Baḥr al-'Ulūm. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.

al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1967/1387. *al-Mabsūt fī Fiqh al-Imāmīyya*. 3rd. Tehran: al-Maktabat al-Murtaḍawīya li 'Ihyā' al-Āthār al-Ja'farīyah.

al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1986/1407. *Tahdhīb al-Aḥkām fī Sharḥ al-Muqni'at lil Shaykh al-Mufīd*. Edited by Sayyid Ḥasan Khurāsānī. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya.

al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1979/1400. *al-Nihāyat wa Nukatuhā*. Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī.

'Andalībī, 'Alī; Ṣāḥibī, 'Alī. 2021/1400. *Fiqh-i Būrs wa Awraq-i Bahādār*. Qom: Mu'assissih-yi Intishārāt-i Ḥawzih-yi Ilmīyah.

'Azīzī, Aḥmad. 1998/1377. *Bāzār-i Salaf-i Arz, Mawānī' wa Mushkilāt-i Ijtād Ān dar Īrān*. Presented Article in the 9th Conference on Islamic Banking.

BIS Triennial Central Bank Survey. (2022) https://www.bis.org/statistics/rpfx22_fx.htm.

Bodie, Z., Kane, A., & Marcus, A. (2018). Investments (11th global ed.). Berkshire: McGraw-Hill Education.

Chītsāzīyān, Murtaḍā; Nu‘parwar, Muzhgān. 2016/1395. *Qarār Dādhā-yi Mu‘ajjal Ātī dar Būrs-i Awrāq-i Bahādar*. Nashrīyih-yi Mabānī-yi Fiqhī-yi Huqūq-i Islāmī, 9(17), 27-80.

Fahīm Khān, Muḥammad. 1997. *Qarārdād-hāyi Ātī-yi Islāmī wa Bāzār-hāyi Ānhā*. Mu‘assisiyih-yi Taḥqīqāt wa Āmūzish-i Islāmī, Bānk-i Tawsi‘ih-yi Islāmī, Session 32.

Hāl, Jān. 2005/1384. *Mabānī-yi Muhandisī-yi Mālī*. Translated by Sajjād Sayyāh & ‘Alī Šālḥ Ābādī. Tehran: Tāyānih Tadbīr Pardāz.

Ibn Athīr Shībānī, Majd al-Dīn Mubārak ibn Muḥammad. 1988/1367. *Al-Nihāyat fī Gharīb al-Ḥadīth wa al-Athar*. Al-Maktabat al-Islāmīyyah.

Ibn Bābiwayh al-Qommī, Muḥammad Ibn ‘Alī (al-Shaykh al-Šadūq). 1983/1404. *Tafsīr al-Qommī*. 3rd. Qom: Dār al-Kitāb.

Ibn Barrāj al-Tīrāblusī, ‘Abdulazīz. 1985/1406. *Al-Muhadhab*. n.p. Mu‘assasat al-Nash al-Islāmī li Jmā‘at al-Mudarrisīn.

Ibn Idrīs al-Ḥillī, Muḥammad Ibn Aḥmad. 1996/1410. *al-Sarā‘ir al-Hāwī li Taḥrīr al-Fatāwī*. Qom: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.

IbnFārs, Abī al-ḤusaynAḥmad. 1983/1404. *Mu‘jamMaqā‘īs al-Lughah*. Qom: Būstān-i Kitāb-i Qom (Intishārāt-i Daftar-i Tablīghāt-i Islāmī-yi Ḥawzi-yī ‘Ilmīyyi-yi Qom).

Investopedia. (2024a). Cash Settlement: Definition, Benefits, and Examples. <https://www.investopedia.com/terms/c/cashsettlement.asp>.

Investopedia. (2024b). Forex (FX): Definition, How to Trade Currencies, and Examples. <https://www.investopedia.com/terms/f/forex.asp>.

Investopedia. (2024c). What Is Financial Leverage, and Why Is It Important?. <https://www.investopedia.com/terms/l/leverage.asp>.

‘Iṣmat Pāshā, ‘Ubaydullāh. 2003/1382. *Falsafih wa Sayr-i Takāmulī-yi Abzār-hāyi Mālī-yi Mushtaqih wa Dīdgā-hāyi Fiqhī*. Faṣlnāmih-yi Iqtisād-i Islāmī, 3(9), 29-40.

Kātūzīyān, Nāšir. 2008/1387. *Huqūq-i Mu‘ayyan*. Tehran: Shirkat-i Sahāmī Intishār.

Kumaytiyih-yi Takhaṣuṣī-Fiqhī-yi Sāzimān-i Būrs. 2007/1386. <http://www.rdis.ir>.

Maṣūmī Nīyā, Ghulām‘alī. 2006/1385. *Barrasī-yi Fiqhī-yi Abzār-hāyi Mushtaqih*. Justār-hāyi Iqtisādī, 6, 153-188.

Maṣūmī Nīyā, Ghulām‘alī. 2006/1385. *Barrasī-yi Fiqhī-yi Mu‘āmilāt-i Fāiks wa CFD*. <https://rasanews.ir/fa/news>.

Maṣūmī Nīyā, Ghulām‘alī. 2008/1387. *Barrasī-yi Fiqhī-yi Abzārīh-yi Mushtaqih*. Qom: Pazhūhishgāh-yi Farhang wa Andīshih-yi Islāmī.

Murādī, Mahdī. 2007/1386. *Awraq-i Ikhtiyār-i Mu'āmilih, Qarārdād-hāyi Tahwīl-i Ātī wa Qarārdād-hāyi Islāmī-yi Mushābih-yi Ān*. Majallih-yi Dānish wa Tawsi'ih. 21, 195-215.

Rajā'ī, Mahdī. 1996/1375. *Ṭarrāḥī-yi Abzārḥā-yi Mālī dar Nizām-i Mālī-yi Bidūn-i Ribā*. Payān Nāmih-yi Kārshināsī-yi Arshad. Qom: Markaz-i Pazhūhish-hāyi Islāmī.

Ṣafāyī, Sayyid Ḥusayn. 2993/1382. *Qawā'id-i 'Umūmī-yi Qarārdād-hā*. Tehran: Nashr-i Mīzān.

Sha'bānī, Aḥmad; Bahārwandī, Aḥmad. 2010/1389. *Qarārdād-hāyi Ātīhā wa Ikhtiyār-i Mu'āmilih-yi Arzī az Dīdgāh-i Fiqhī wa Iqtisādī*. Mu'āmilāt-i Iqtisād-i Islāmī, 5, 68, 32-37.

Some of the Authors. 2024. *Ḥukm-i Shar'ī-yi Mu'āmilāt-i Fāriks: Ḥalāl yā Ḥarām*.

Wā'izī, Muḥammad Sa'īd. 2022/1401. *Khārij Fiqh al-'Uqūd*. Qom: Mu'asissih-yi Fiqh wa 'Ulūm-i Islāmī.